



Politicizing the Urban Environment of the Prophet is an Effective Strategy for the Realization of Social Harmony

Saeid Hamidi¹

1. Assistant Professor of Islamic Education, Azad University of Mahabad, Mahabad, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2024.60207.1273

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_17876.html

Corresponding Author:
Saeid Hamidi

Email:
saeid.hamidi56@gmail.com

Received: 2024/01/22

Detected: 2024/02/22

Accepted: 2024/03/04

Available: 2024/03/10

Open Access 

Keywords:
Prophet; urban environment
policy; social harmony

ABSTRACT

The pre-Islamic cities of Hijaz faced challenges such as: differentiation and the formation of fluid identities. Therefore, consequences such as: citizens, not having proportionate access to fair facilities and the creation of bigoted and unstable privileges, caused the lack of social agreement. But with the formulation of the urban environment solutions of the Prophet), while creating opportunities for social life, practice, harmony and convergence became one of the most prominent rules governing the lives of citizens. Thus, the re-examination of the components of urbanization in the Prophet's era, with the aim of explaining the efficient urban elements, is considered one of the most important areas of religious research. This descriptive-analytical research seeks to answer the main question, which of the efficient strategies, was effective in the realization of social harmony, in the politicization of the urban environment of the Prophet? Based on library sources, the results show; The emergence of innovative and systematic ideas that originated from the essence of Islam, was able to transform the elements of pre-Islamic urban life. So that strategies such as: fighting against conflicting beliefs and emphasizing adherence to treaties, put the new-foundation society at the highest level of harmonious life. In addition, with the objectification of consensus as a fundamental plan, a new standard of citizenship, was determined for citizens, and under the shadow of acceptable common norms, a new life based on religious life was realized.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی

سیاستگذاری محیط شهری پیامبر (ص) راهبردی کارآمد بر تحقق وفاق اجتماعی

سعید حمیدی^۱

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، مهاباد، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2024.60207.1273

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_17876.html

چکیده

نویسنده مسئول:

سعید حمیدی

ایمیل:

saeid.hamidi56@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

پیامبر (ص)؛ سیاستگذاری محیط

شهری؛ وفاق اجتماعی

شهرهای حجاز پیش از اسلام با چالش‌هایی همچون تمایز پذیری و شکل‌گیری هویت‌های سیال مواجه بود. لذا پیامدهایی نظیر عدم برخورداری متناسب شهروندان از امکانات عادلانه و خلق امتیازات متعصبانه و ناپایدار، موجبات عدم توافق اجتماعی را فراهم نمود. لیکن با تدوین راهکارهای محیط شهری پیامبر (ص) ضمن ایجاد فرصت برای تمرین زیست اجتماعی، وفاق و همگرایی از شاخص‌ترین قواعد حاکم بر حیات شهروندان گردید. بطوریکه بازکاوی مولفه‌های شهرنشینی دوران نبوی (ص)، با هدف تبیین عناصر کارآمد شهری از مهمترین حوزه‌های دین پژوهی محسوب می‌گردد. این پژوهش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ بدین سؤال اصلی است که در سیاستگذاری محیط شهری پیامبر (ص) کدامیک از راهبردهای کارآمد در تحقق وفاق اجتماعی موثر واقع گردید؟

باستناد منابع کتابخانه‌ای نتایج نشان می‌دهد؛ ظهور ایده‌های نوآورانه و منظم که منبعت از ذات اسلام بودند، توانست بن‌مایه‌های زندگی شهرنشینی پیش از اسلام را دگرگون نماید. بطوریکه راهکارهایی همچون مبارزه با باورهای اختلاف برانگیز و تأکید بر پابندی به معاهدات، جامعه نو بنیان را در بالاترین سطح زندگی همگرایانه قرار داد. بعلاوه با عینیت یافتن وفاق به منزله طرح‌واره بنیادین، معیار جدید تابعیت برای شهروندان معین شد و در سایه هنجارهای مشترک مقبول، حیاتی نوین مبتنی بر زیست مؤمنانه محقق گردید.

۱- بیان مسأله

تلاش برای پیوند دادن نقش آفرینی سیاستگذاری‌های شهری با تحقق ارزش‌ها و فضائل متنوع اجتماعات انسانی، در تأملات نظری حکما و اندیشمندان سابقه‌ای دیرپا دارد. اما شاید بتوان گفت که شاخص‌ترین مولفه اجتماعی که ارتباط معنادار و تعیین‌کننده‌ای با اسلوب و ساختارهای شهرنشینی دارد و پیوسته می‌تواند بخش اعظمی از کارآمدی و یا ناکارآمدی حکمرانان و مدیریت شهری آنان را در معرض ارزیابی و قضاوت قرار دهد، تحقق وفاق اجتماعی در نظام شهری^۱ و همگرایی در بین شهروندان است. بطوریکه زیست همگرایانه توأم با وفاق اجتماعی و نحوه سیاستگذاری محیط شهری، مفاهیمی منفک از هم نیستند؛ بلکه عناصر و الزاماتی هستند که دارای پیوندی مستقیم و متأثر از هم می‌باشند.

در این بین کامل‌ترین برنامه‌ریزی شهری که توانست با اتکاء به جامع‌ترین آموزه‌های اجتماعی، وفاق و همزیستی را تحقق بخشد، مدیریت شهری پیامبر(ص) بود. پیش از اسلام سرزمین حجاز با چالش‌هایی همچون شالوده‌شکنی و نیز شکل‌گیری اصالت‌های نامتجانس مواجه بود؛ که پیامدهایی مانند شکاف بین طبقات فرادست و فرودست و همچنین خلق هویت‌های سنتی و ناپایداری را برجای گذاشت. بطوریکه مولفه‌هایی همچون روابط درون گروهی ناکارآمد و خرده فرهنگ‌های ناصواب به مانند افتراق بین شهروندان، از مختصات اصلی این جامعه متکی بر سنن جاهلی بود.

اما گذر از یک جامعه بدوی و کوچ‌نشین و نیل شهروندان به سمت اجتماعی مدنی که به ارزش‌های قانون مدارانه شهرنشینی آراسته بود، جهت‌گیری آگاهانه‌ای را رقم زد که شناساندن آن می‌تواند بیش از گذشته سیاستگذاری محیط شهری پیامبر(ص) را بعنوان الگوی جامع بر مدیریت شهری تبیین نماید.

پیامبر اکرم(ص) باستناد به مبادی و الزامات وفاق اجتماعی به اصل همگرایی جمعیت شهری روی آوردند و به بنیادی‌ترین نیاز جزیره العرب یعنی تقویت عناصر ارزشی در زیست انسانی پرداختند. ایشان آنچنان تحولی را در اعراب ایجاد نمودند که از مردمی جنگجو و خشن، انسان‌هایی منضبط و توانمند ساختند. اگر در قبل اسلام، مسئولیت جمعی و قبیله‌ای به جای مسئولیت شخصی قرار داشت و عمل یک فرد می‌توانست به سبب جزمیت و تعصبات، قبیله‌ای را به چالش وادار می‌داشت؛ (ر.ک: فتح/۲۶) اما پیامبر(ص) جامعه‌ای را بنیان نهادند که در آن فرد، خانواده و امت، جایگزین قبیله و عشیره و سلطنت گردید. البته هرچند نظام قبیله‌ای به یکدفعه از بین نرفت، اما در واحدی بزرگتر بنام «امت» که پیروان و پذیرفتگان اسلام بودند ادغام شد و با گرایش دینی، هویتی جدید یافت. (اشپولر، ۱۳۶۶: ۹۸) لذا اگر اسلام موفق‌ترین دین در کاستن فواصل نژادی و قومی بوده است،

(حتی، ۱۳۶۶: ۷۵/۱) بر این اساس پیامبر اسلام (ص) با راهبردهای کارآمد، ضمن خط بطلان کشیدن به گسست‌های گذشته، با انتظام اندیشه‌ها و تحت قوانین مدنی^۱، جامعه‌ای نو بنیان نهادند.

در پژوهش حاضر ضمن اذعان بدین نکته که برای پیشرفت مقبول در یک نظام اجتماعی بالنده، راهبردهای کارآمد تاریخی معرف مولفه‌های معین و جهت بخشی خواهند بود؛ تلاش شده است ضمن شناساندن سیاستگذاری شهری در عهد رسول الله (ص)، حصول وفاق اجتماعی بعنوان مولفه پایدار این سیاست مورد مطالعه و بازکاوی قرار گیرد. توسعه‌ای کارآمد در محیط شهری که توانست برنامه استوار و همسو با مناسبات انسانی^۲ و تمایلات اجتماعی^۳ را برای اعراب جزیره العرب به ارمغان آورد. بطوریکه بازشناسی عوامل گذر از جامعه جاهلی به جامعه نوین اسلامی ضرورتی است که می‌بایست توجه قرار گیرد. بنابراین اینکه سیاستگذاری شهری پیامبر (ص) از حیث مولفه جامعه‌شناختی^۴ کدامند؟ و رسول خدا (ص) با کدامین راهکارها در جهت توسعه شهری مبتنی بر وفاق اجتماعی گام برداشتند؟ از الزامات این پژوهش می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون محققین پیرامون زوایای مدیریت شهری پیامبر (ص) پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده‌اند. بطوریکه برخی صرفاً با طرح ایده‌های شهرسازی در آموزه‌های حضرت رسول (ص)، اجمالاً به برخی احکام مدنی در شهر پرداخته‌اند.

از جمله هادی انصاری (۱۳۸۷ش) در مقاله «ساختار اجتماعی مدینه در دوران رسول خدا» به برخی ساختارها و مولفه‌های اجتماعی و شهرنشینی در دوران پیامبر (ص) پرداخته است. ضمناً مهران اسماعیلی (۱۳۹۸ش) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین محدوده یثرب/مدینه در دوره پیامبر» بطور اجمال در ذیل مفاهیم جغرافیایی به برخی از ساختارهای شهری مدینه در دوران نبوی اشاره‌هایی را دارد. هشام مرتضی (۱۳۸۷ش) در فصل سوم کتاب «اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام» با ترجمه ابوالفضل مشکینی در مورد برخی موارد ساختار فیزیکی محیط در صدر اسلام مطالبی آورده است. عثمان عبدالستار (۱۳۷۶ش) نیز در کتاب «مدینه اسلامی» مطالبی را در حوزه اجتماعی مدینه آورده است. بعلاوه اصغر قائدان (۱۳۹۷ش).

در مقاله‌ای با عنوان «مولفه‌ها و ویژگی‌های ساختار شهری مدینه در عصر پیامبر (ص)» صرفاً به حوزه بنیان شهر و مبادی معماری سنتی آن توجه نموده است. حسن ستاری (۱۳۸۸ش) در مقاله‌ی «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول (ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی» تلاش نموده

1. Civil Laws
2. Human Relations
3. Social Tendencies
4. Sociological

است تا ضمن معرفی ملاک های مدیریت شهری پیامبر(ص)، اصول شهرسازی را تبیین نماید. فاطمه جان احمدی(۱۳۹۴.ش) در مقاله «بازخوانی مراحل حیات شهری پیامبر(ص)» ارکان مادی و معنوی این شهر را معرفی می نماید. در این بین تحقیقی مستقل که به سیاستگذاری محیط شهری پیامبر(ص) بعنوان راهبردی کارآمد در تحقق وفاق اجتماعی بپردازد به چشم نمی خورد. لذا وجه تمایز این پژوهش با سایرین در ارائه چارچوب منسجم از اصول مدیریت شهری پیامبر(ص) در راستای حصول وفاق اجتماعی است. در پژوهش حاضر تلاش شده تا با رویکرد تاریخی، ضمن اذعان به کارآمدی سیاستگذاری شهری پیامبر(ص) به تطابق آن با شاخص های وفاق اجتماعی پرداخت گردد.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

۳-۱. تعریفی بر مفهوم سیاستگذاری محیط شهری^۱

در عرصه مناسبات انسانی سکونت گاه های اصلی جوامع بشری که شهرها هستند با رشد فزاینده تمایزات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی روبرو بوده اند. بنابراین در چنین محیط های تمایز پذیر، الزامات تعیین کننده ای با هدف آرایش نیروی های انسانی نظیر هماهنگ سازی^۲، هدایت کنندگی^۳ و انسجام بخشی^۴ به منافع گوناگون ضروری به نظر می رسد.

به عبارت دیگر تاکید بر اتکاء نظری و عملی به راهبردهایی که می توانند حکمرانی شهری، سازوکارهای مدنی و نیز جریان ها و سازمان ها را تحت پوشش قرار دهند جزئی از راهبردهای مدیریت شهری محسوب می گردد. راهکارهایی که به واسطه آنها، شهروندان ضمن شناخت الزامات شهرنشینی، در راستای مشارکت اجتماعی خویش، از حقوق قانونی استفاده نموده و ضمن عمل به تعهدات اجتماعی، از بنیان های مدنی در جهت حل و فصل مسائل شهری بهره جویند. (بحرینی، ۱۳۷۸: ۵۸)

در همین راستا، مفهومی با عنوان «سیاستگذاری محیط شهری» روندی مداوم خواهد بود که می تواند راهبردها، سنت ها و قواعد و اصولی را تدوین و در دسترس قرار دهد، تا ضمن ایجاد مسئولیت توانمندسازی و به ثمر نشاندن انسجام اجتماعی و برابری در بین شهروندان، اقدامات نظام مندی را در جهت تقسیم منافع و توزیع عادلانه فرصت ها به استخدام درآورد.

به عبارت دیگر اگر فرآیند سیاستگذاری محیط شهری را چرخه ای شامل انتخاب راه حل ها، تبیین تصمیم گیری ها و ارائه برنامه های مدون و اجراء آن بدانیم، این نوع از سیاستگذاری می تواند در تحقق مفاهیمی

-
1. Policy making of city
 2. Synchronization
 3. Guidance
 4. Partial Coherence

همچون بستر سازی مشارکت شهروندان، استعداد آفرینی در جهت تمرین زیست همگانی، زمینه سازی بر بنیان نهاد های اجتماعی و بالاخره التزام عملی به رعایت حقوق شهروندی در جهت بهینه سازی مناسبات مدنی^۱ موثر واقع گردد.

۳-۲. مفهوم وفاق^۲

نظر به اینکه در این پژوهش نیل به وفاق اجتماعی بعنوان مهمترین دستاورد سیاستگذاری محیط شهری پیامبر(ص) مد نظر بوده است، لذا بازکاوی مفهوم وفاق از مهمترین الزامات ورود به بحث خواهد بود.

اصطلاح « وفاق » را اگوست کنت^۳ (۱۷۹۸-۱۸۵۷) در قرن نوزدهم وارد زبان علوم اجتماعی کرد. او وفاق را شالوده ای ضروری می دانست که همه ساختارهای اجتماعی بر پایه آن بنا می شوند. (ر.ک: آرون، ۱۳۸۶: ۴۷) به بیان دیگر وفاق به معنای توافق کلی بین افراد و گروه ها، هم در اندیشه و هم در احساس است؛ نه اینکه فقط به توافق های ملی اطلاق گردد. بلکه حاکی از عواطف مشترک و احساس همگانی نیز هست. بطوریکه اشخاص یا گروه هایی که با اجماع عمل می کنند، حس پیوند و قرابت دارند و پیوندهای محکم و علایق یا منافع مشترک، آنها را با هم متحد می کند. (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۳۸)

بررسی اجمالی و اولیه در خصوص معانی مختلف جامعه شناسان و تعاریف گوناگون آنان از وفاق نشان می دهد که می توان سه معنای مشترک در بین تعاریف مطروحه در نظر گرفت. یک معنای وفاق یعنی حرکت به سوی زندگی مسالمت آمیز است. در این دیدگاه وفاق مهمترین مؤلفه ای از زندگی است که مناسبات انسانی را به دور از تنش های جامعه به سمت نظم اجتماعی^۴ سمت و سو می بخشد. معنای دوم وفاق همگرایی است. یعنی اگر بین افراد جامعه اختلاف دیدگاهی وجود دارد، آن اختلاف در آراء و نظرات با اجماع نظر به سوی دیدگاه نزدیک تر و مشترک حرکت کند. دیدگاه سوم، وفاق را به معنای مفهوم گفتگو در نظر می گیرد. در این دیدگاه وفاق لزوماً به معنای کنار گذاشتن ایده ای خاص در باب زندگی یا مناسبات اجتماعی نیست. بلکه تلاش می گردد تا انسان ها در پرتو منطق مکالمه بکوشند تا به فهم مشترکی برسند و این باعث حل اختلافات و هم اندیشی سازنده و کارآمد خواهد بود.

1. Civil relations
2. Federation
3. Auguste Comte
4. Social Order

۳-۳. شاخص های مفهومی در وفاق اجتماعی^۱

بی تردید بررسی شاخص های مفهومی در وفاق اجتماعی موضوعی مرتبط با مباحث حوزه جامعه شناختی می باشد. لیکن در این تحقیق مطالعه رویکرد های متنوع در علوم اجتماعی و ذیل آن شناساندن پارامترهای مفهوم وفاق اجتماعی، می تواند به تطابق راهبردهای کارآمد مدیریت شهری پیامبر(ص) با عناصر مولد وفاق در جوامع انسانی اشاره نماید.

از سوئی دیگر بدیهی است که اگر بخواهیم تعریف مفهومی از یک اصطلاح و یا کلید واژه خاص داشته باشیم، لازم است که تعریفی چندگانه توأم با مفهوم شناسی شبکه ای از آن واژه و یا تعبیر به مخاطب ارائه گردد. به عبارت دیگر بهتر است که تعریف یک مفهوم با توجه به تعاریف مفاهیم دیگر از همان خانواده صورت گیرد. بنابراین بازکاوی منابع جامعه شناسی و بررسی تعاریف متفاوت از وفاق اجتماعی در بین اندیشه گران علوم اجتماعی نشان می دهد که در تبیین شاخص های وفاق اجتماعی مفاهیمی همچون انتظام اجتماعی، انسجام اجتماعی، ساختار اجتماعی، آرایش اجتماعی، منظومه اجتماعی، توافق اجتماعی و بالاخره وفاق اجتماعی در یک ردیف و هم معنی با یکدیگرند. بطوریکه همه این مفاهیم دارای ارتباط مفهومی و منطقی با هم بوده و مترادفند؛ اگر چه ممکن است که حوزه معنایی هر یک متفاوت باشند. مثلاً به لحاظ حوزه کاربرد، مفاهیمی چون نظم و یا ساختار، دارای معانی کلان تر، وسیع تر و عام تر از مفاهیمی مانند وفاق اجتماعی هستند. به عبارت دیگر مفهوم وفاق اجتماعی یک مفهوم جزئی تر بوده که خود زائیده مفاهیمی چون نظم اجتماعی و ساختار بندی جوامع است.

اکنون بدون اینکه قصد واکاوی پیرامون مفهوم سازی وفاق اجتماعی را داشته باشیم، صرفاً به چند نمونه از تعاریف « وفاق اجتماعی » برای حصول به یک مفهوم جامع تر و مشترک اشاره می کنیم.

« اشتراک داوطلبانه قواعد اجتماعی مبتنی بر پیوستگی عاطفی^۲ »

« توافق نسبت به بعضی ارزش ها و آرمان های هنجاری مشترک »

« رجحان های مشترک و قائل شدن برتری و اولویت در حد قداست برای آنها به جای رجحان های تصادفی

و متغیر »

« تحقق نظم نمادی^۳ یا اجتماع ارتباطی^۴ »

« نوعی توافق جمعی بر سر مجموعه ای از اصول و قواعد اجتماعی و احساس تعامل در مورد هر یک از

آنها » (چلبی، ۱۳۷۰: ۱۶)

1. Social Solidarity
2. Affectual Bond
3. Symbolic Order
4. Communicative Community

اکنون در مقام جمع بندی به استناد نقاط مشترک تعاریف مذکور می توان گفت: وفاق اجتماعی عبارتست از توافق جمعی بر سر مجموعه ای از اصول و قواعد اجتماعی و نیز مجموعه ای از ارزش ها و هنجارها که بر سایر عادات ذهنی و طرح واره های عینی جوامع انسانی تفوق یافته اند. بطوریکه این میدان تعامل اجتماعی خود زمینه لازم برای پیوستگی های روحی و عاطفی را فراهم می نماید.

۴. سیاستگذاری های اجتماعی پیامبر(ص) در محیط شهری

بی تردید نخستین راهکار پیامبر(ص) در تحقق وفاق اجتماعی، تعیین چارچوب اجتماعی مشخص و استخدام مولفه های مربوطه در سیاستگذاری شهری بود. بنابراین معرفی آندسته از راهبردهای کارآمد در تبیین مولفه های اجتماعی که ایجاد جامعه ای نوین را ممکن ساخت، از مهمترین حوزه های مورد بحث در این پژوهش می باشد.

۴-۱. تعیین ساختار اجتماعی^۱

مطالعات نشان می دهد که عینیت بخشیدن به ساختار اجتماعی از اهم قواعد حاکم بر سیاستگذاری شهری پیامبر(ص) بود. بطوریکه این تعیین چارچوب اجتماعی در گرو بررسی مبادی مناسبات انسانی^۲ رقم خورد. مناسباتی که هر کدام توانستند ضمن تقویت زیست همگرایانه، مولفه های اجتماعی ضروری در جهت تعیین ساختار اجتماع نوین را فراهم نمایند.

۴-۱-۱. تأکید بر گفتمان مشترک^۳ بین شهروندان

دعوت به گفتمان مشترک بعنوان کارسازترین عنصر شهرنشینی در جهت پیشبرد اهداف جوامع بشری امری واضح است. چنانچه آن ضمن اینکه گفتمان مشترک بین شهروندان را بعنوان مهمترین الزامات شهرنشینی معرفی می نماید، این قاعده حاکم را مهمترین الگو واره شهری می داند که می تواند حق مشارکت شهروندان را عینیت بخشد. (کارین، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

چنانکه با همگرایی بین طبقات اجتماعی بواسطه تأکید بر گفتمان مشترک، ضمن شناسایی ظرفیت ها، توان تبدیل استعداد های بالقوه به بالفعل مضاعف می گردد. ضمناً بواسطه نیروی جمعیت پایبند به قوانین مشترک مدنی، واژه وفاق عینیت یافته و مفهوم انتظام اجتماعی محقق می گردد.

1. Social Structure
2. Human Relations
3. Common Discourse

قرآن در عین حال که مسلمانان را با چنگ زدن به ریسمان الهی از تفرقه برحذر می دارد؛ الفت و اخوت را (به عنوان دو عامل گفتمانی) دلیل قوام وحدت مؤمنان و از نعمات خاص الهی می داند؛ که سبب رهایی از پرتگاه هلاکت و خسروانی که قبل اسلام بدان گرفتار بودند گردید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (ر.ک: آل عمران/۱۰۳)

ابن عاشور ضمن اشاره به مصادیق همبستگی در اجتماع مسلمین، در مقام تفسیر این آیه می نویسد هدف اصلی آیه سامان دهی امت و به سازی و نگاه داشت نظام آن برای گفتمان سازی است. (ابن عاشور، بی تا: ۱/۳۹) عاملی که می تواند با ایجاد انتظام اجتماعی بر اتقان وفاق بیانجامد بی تردید اولین تجلی این همبستگی اجتماعی در تاریخ اسلام مقارن با استقرار پیامبر(ص) در مدینه قابل مشاهده است. شهری که بدلیل تجمع جمعیت کثیری از مسلمین؛ اعم از مهاجر و انصار و بواسطه تنوع اقوام، ادیان و نژادهای متکثر بیش از همه نیازمند گفتمان مشترک در بین اجتماع شهروندان بود.

با این فرض در ادامه به بررسی اهم مولفه های سیاستگذاری محیط شهری پیامبر(ص) که بعنوان رهیافتی کارآمد، توانستند وفاق اجتماعی را به ارمغان آوردند می پردازیم.

۴-۱-۲. جایگزینی فضائل ذاتی شهروندان به جای ارزش های ناپایدار بدوی

پیامبر اعظم(ص) در سیاستگذاری شهری خویش تلاش نمودند تا فضائل ذاتی شهروندان را که بر مبنای ضرورت حفظ کرامت انسانی در دین اسلام معنا می یافت تصدیق نموده و در عوض ارزشهای ناپایدار حاصل از طبیعت جزیره العرب به مانند ارث، خون، نسب و حسب که سالها عرب جاهلی بدانها خو گرفته بود را از مدار مناسبات شهری خارج نمودند.

در حقیقت با این جایگزینی هویت بخش که باعث فراموشی مجادلات اجتماعی حاصل از مرزهای نژادی و امتیازات طایفه ای بود، اساس جامعه بدوی حجاز به جامعه ای مدنی تبدیل گردید. بطوریکه اعلان بطلان این حد و مرزهای رقابتی و کاذب که به تعبیر قرآن از حمیه الجاهلیه نشأت می گرفت، زمینه های گذر جزیره العرب را از هویت قبیله ای به تشخص دینی در جامعه اسلامی فراهم نمود.

بی تردید اینکه در مدیریت شهری پیامبر(ص) دو گروه اجتماعی نو ظهور بنام « مهاجرین » و « انصار » کانون توجه قرار گرفتند و این دو گروه شهری از موثرترین پدیده های اجتماعی در تاریخ صدر اسلام بودند، نشان از این نکته است که پیامبر اسلام(ص) در صدد بودند تا با توزیع عادلانه فرصت ها و تعیین مسئولیت های اجرائی در اداره شهر، توانمندی های این دو جریان جدید التأسیس را به استخدام سیاستگذاری محیط شهری درآوردند. این خط مشی حضرت(ص) تحقق برنامه ای عملی بود تا اینکه نوای پایان یافتن رقابت های جاهلی و ناپایدار

تیره ها و نژادها که میراثی کهن از سنن آباء و اجدادی بود نواخته گردد؛ و در عوض تشکیلاتی سازمان یافته از شهروندان مهاجر و انصار، نه بعنوان مفهومی صرفاً ظاهری و ذهنی، بلکه به مثابه دو حقیقت سیاسی و اجتماعی عینیت یابد. این دو گروه از شهروندان با نوآوری و کارآمدی خویش بتوانند گذرگاه عبور از اختلافات و نزاع بین قبائل را در مدار هم افزایی اندیشه ها و همگرایی شهروندان ترسیم نمایند.

رسول الله (ص) با اتکاء به مبادی اجتماعی قرآن که تصریح می کند « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ » (حجرات/۱۰)؛ عادات کهن و میراث مآبانه ای را که از زیست متعصبانه اعراب و نظام قبیله ای آنان سرچشمه می گرفت مذموم اعلان کردند و با ایجاد بنیان اجتماعی نوآورانه ای، فضائل ذاتی شهروندان را به جای ارزش های زودگذر قبیله ای قرار دادند.

بر همین اساس و به فرمان پیامبر (ص) جملگی مسلمانان که از طوائف و قبائل مختلف بودند با یکدیگر برادر اعلام شدند و با نگرش توحیدی، در کمال وحدت بین مسلمین اعم از مهاجر و انصار، امتیازات ارزشی آنان جایگزین امتیازات طبیعی بین قبائل گردید. (ابن هشام، ۱۳۵۶ ق، ۲/۱۵۰) به عبارت دیگر یک تعمیم رابطه ای نو یعنی ارتباط ایمانی، جانشین قوی ترین روابط نسب و قرابت یعنی روابط قبیله ای گردید. (حتی، ۱۳۷۵:۱۵۳)

۴-۲. ایجاد نظام شهروندی بر بنیان اشتراکات امت اسلامی

آیات الهی با تشریح استوارترین تعالیم برتر، ضمن خط بطلان کشیدن بر معیارهای غلط گذشته همچون افتخار به حسب و نسب، خون و نژاد، لیکن بواسطه تاکید بر اشتراکات دینی، امت واحد اسلامی را در صف گفتمان مشترک^۱ قرار داده است و با نفی انگیزه های مادی، روح ایمانی را در کالبد امت اسلامی دمید؛ بر فزون طلبی ها پایان داد و تنها تقوا را ملاک فضیلت قرار داد (خوبی، ۱۹۹۶ م، ۱/۷۵). آنجا که فرمود: « إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَكُم » (ر.ک: حجرات/۱۳)

لذا واضح است که وفاق امت اسلام بعنوان یک اصل اجتماعی مسلم، جزء ضروریات هر جامعه بشری و در رأس آن از الزامات سیاستگذاری های شهری در اسلام می باشد. چنانچه فشرده گی شهری در شهرهای مسلمان نشین بر بنیان توحید، خود سمبلی از تعبیر امت بوده است. (مرتضی، ۱۳۸۷:۴۳)

در این راستا تلاشهای پیامبر (ص) در جهت خلق نظام شهری مبتنی بر وفاق امت واحده قابل توجه است. البته می بایست افزود که مفهوم امت در ساختار شهری دوران پیامبر (ص) مفهومی جامعه شناختی بود. زیرا فراتر از اشتراکات^۲ و تعلقات اعتقادی مسلمانان، بر بنیاد همگرایی^۳ مبتنی بر قراردادهای اجتماعی استوار بود. بطوریکه

1. Common Discourse
2. Commonalities
3. Convergence

پرهیز دادن شهروندان از بکارگیری عناوین قبیله ای و نیز کاستن از تعابیر متکی بر اصالت قبائل در نامه ها، وجوب اتحاد مبتنی بر حبل الله و نه به تاسی از طبقات خاص طایفه ای را در نظام شهری پیامبر(ص) نشان می دهد. همچنانکه ایشان با لحن تند و پر از تأکید در نامه ای به عمرو ابن حزم که نماینده حضرت در یمن بود، نوشتند: «مردمان را... از اینکه بسوی قبائل و عشیره ها فرا خوانند، باز دار... پس اگر... به سوی قبائل فرا خوانند با شمشیر به راه آورده شوند» (سمیح، ۱۳۷۹: ۵۵)

ضمناً پیامبر(ص) با راهکارهایی نظیر تأسیس مسجد جامع نبوی(شریف قرشی باقر، ۱۳۸۷: ۲۲۷)، برقراری اخوت بین مهاجران و انصار(نظری منفرد، ۱۳۸۶: ۱۱۹) و پیمان قانون اساسی با یهودیان (همان، ۱۲۱)؛ با کردار و گفتار خویش، راهبردهای معناداری را در عرصه تبیین نظری و عملی وفاق امت ترسیم نمودند. حضرت(ص) بارها ضمن خنثی نمودن توطئه های داخلی و خارجی، در صدد بودند در راستای حفظ وفاق جامعه اسلامی و جلوگیری از گسست ها در طبقات شهری اقدامات عملی انجام دهند.

برای مثال تصمیم قطعی ایشان در جنگ احد مبنی بر خروج سپاه اسلام از شهر و دفاع از حریم مدینه در بیرون از شهر، در حالیکه یک تاکتیک نظامی بود، راهکار عملی بر مقابله با نفوذ جریان نفاق در دل جامعه اسلامی محسوب می گردید. چراکه منافقان به سرکردگی عبد الله اُبی تلاش داشتند تا با ایجاد تردید و دو دلی، بذرخوت و سستی را در بین مسلمانان رواج دهند. (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: ابن هشام، ۱۳۵۶ ق، ۱۴۶/۳) ایشان با مشورت^۱ به مانند شورای تشکیل شده در جنگ احد) همدلی و احساس تکلیف اجتماعی^۱ را در شهروندان تقویت می کردند؛ لیکن با ثبات در رأی مأخوذه در صدد بودند پراکندگی و تفرقه را مهار نمایند. اینکه پیامبر(ص) در مواضع مختلفی از تاریخ اسلام، در حل و فصل امور شهری با شهروندان مشورت می نمودند و لیکن اجازه نفوذ کارشکنی ها و توطئه های مخالفان را نمی دادند به مثابه راهکاری کارآمد بر صیانت از اقتدار امت بود. چراکه شناخت چهره واقعی دشمن و دوری از سطحی نگری^۲ در تشخیص جریانات اجتماعی می تواند موجبات نجات امت اسلام از تهدیدها شده و در نتیجه وفاق اجتماعی امت واحده تضمین گردد.

چنین سیاستگذاری در محیط شهری بر تحولات فکری و فرهنگی مبتنی بر عصبیت اعراب تاثیر گذاشته و جامعه اسلامی را مستعد رویکردی مقبول با اتکاء بر وحدت و انسجام شهری نمود. رهیافتی کارساز و کارآمد که بنیان آن بر آیه شریفه که فرمود: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» (ر.ک: آل عمران/ ۱۰۳) استوار بود. پیامبر(ص) در صیانت از اجتماع مسلمین حتی حقوق شهروندان غیر مسلمان را مورد توجه قرار دادند. بی تردید این امعان نظر باعث می گردید که اختلافات احتمالی بواسطه گوناگونی ایدئولوژیک از بین رفته و نقش هر کدام از پیروان و ساکنان در مدیریت شهری احراز می گردید. چنانچه گزارش ابن کثیر تصریح می نماید که به فرمان

1. Social Duty
2. Superficiality

حضرت، جمعیت یهودیان در شهر مدینه اگر در دفاع از شهر متفق باشند و به مسلمانان کمک نمایند، از حقوق مساوی با آنان برخوردار خواهند بود. (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۳/۲۷۳)

در حقیقت پیامبر(ص) با چنین راهکارهایی می خواستند کلمه امت را برای شهروندان مسلمان معمول کنند. لذا اعضای این اجتماع دینی راه دیگری جزء انتخاب کلمه «امت» برای توصیف جمعیت خویش نداشتند، زیرا نه طایفه بودند و نه اتحادیه ای از طوایف و نه سلطنتی داشتند؛ بلکه اینها تنها واحدهایی از اجتماع بودند که آنان می شناختند. (مونتگمری وات، ۱۳۴۴:۱۳۵) این تحول و دگرگونی زیستی باعث گردید که در ذیل مدیریت شهری پیامبر(ص) جامعه ای که سال ها دچار افتراق منافع و تشتت آراء بود، با تمرین زیست اجتماعی، پیوندهای نسبی و سببی خود را به بادیه فراموشی سپرده و با اتکاء به بنیان مرصوص، سیمایی جدید از زندگی شهرنشینی توأم با اشتراک مفاهیم در قالب امت اسلام را ایجاد نماید.

۴-۲-۱. مبارزه با باورهای اختلاف برانگیز

پیامبر(ص) در برنامه های کارآمد و منسجم خویش در راستای ایجاد تحول بنیادین در مناسبات شهری و همچنین طرح راهکارهای مطلوب با هدف تحقق وفاق اجتماعی در بین شهروندان، به مبارزه قاطع با برخی افکار متحجرانه و رسوم کهن جاهلی که از عوامل مهم دشمنی میان اعراب به شمار می رفت برخاستند. بطوریکه ارائه الگوهای کارساز در جهت ترک اختلافات طایفه ای و تأکید بر عدم مجادله، همواره از اصول سیاستگذاری محیط شهری حضرت(ص) به شمار می رفت. چنانچه اهمیت این راهبرد از نظر برخی نویسندگان غربی نیز دور نمانده است. مونتگمری وات می گوید: «محمد قوانین مدنی و اخلاقی را برای شهروندان عرضه کرد تا ددمنشی و وحشی گری را براندازد و بی قانونی و هرج و مرج را با نظم و تمدن جایگزین سازد» (وات، ۱۳۴۴:۳۴۸)

پیامبر(ص) در راستای جهت گیری خویش برای دستیابی به وحدت اجتماعی و مبارزه با باورهای اختلاف برانگیز در بخشی از سخنان خود در فتح مکه فرمودند:

«هیچ عربی را بر عجمی و هیچ عجمی را بر عربی اختلاف و برتری جویی نیست. (طبری، ۱۴۱۵:۶۸۸) بطوریکه در فتح مکه پیامبر(ص) با شکستن بت ها و تندیس های شرک و بت پرستی نه تنها مردمان را از بند بندگی غیر خدایان آزاد نمودند، بلکه با بیان چنین ایدئولوژی جامع نگرانه ای، تلاش نمودند مساوات و برابری را جایگزین اختلافات و تفرقه انگیزی ها نموده، حجاز را با مفهوم اشتراک به جای افتراق آشنا نمایند.

آن حضرت حتی تا آخرین لحظات عمر شریفشان نیز بر وحدت و ضرورت وفاق در اجتماعات مسلمین تأکید نمودند. چنانچه در روزهای پایانی به کمک علی (ع) و فضل بن عباس به مسجد وارد شدند و در بخشی از سخنان چنین فرمودند: «شما بر من وارد می شوید و من از این نگران نیستم که شما مشرک شوید؛ لیکن نگران دنیای شما هستم که بر سر آن رقابت و کشمکش کنید» (همان)

در همین راستا برخورد قاطعانه حضرت(ص) با هرگونه نگرش اختلاف برانگیز و عوامل تفرقه پیوسته از راهکارهای اصلی دولت پیامبر(ص) در عینیت بخشیدن به وفاق اجتماعی بود. بطوریکه ایشان در جلوگیری از شکاف جامعه شهری از هیچ استراتژی کنش گر دیگری غفلت نکردند. تاجائیکه حتی دستور به ویران کردن مسجد ضرار را صادر نمودند.

باستناد اخبار تاریخی، ایشان بعد از جنگ تبوک و به امر خداوند^۱ مسجدی را که منافقین برای اجتماعات خویش ساخته بودند، مسجد ضرار خواندند و دستور دادند این پایگاه اختلاف انگیزی در بین مسلمین، با خاک یکسان گردد، تیره‌های آنرا بسوزانند و آنجا را برای مدتی محل زباله کنند.(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۲/۵۳۰) بی تردید انهدام این بنای ظاهراً مقدس که به کانون ایجاد دو دستگی در جامعه اسلامی مبدل شده بود، راهبرد عملی حضرت(ص) را در مبارزه با عوامل توطئه نشان می دهد. بطوریکه شناخت چهره واقعی دشمن و دوری از سطحی نگری در تشخیص جریانات اجتماعی و سیاسی می تواند موجبات نجات امت اسلام از تهدیدها شده و در نتیجه قوام جامعه اسلامی تضمین گردد. در حقیقت این سبک از مدیریت شهری در تحولات فکری و فرهنگی مبتنی بر عصیت اعراب تاثیر گذاشت و محیط تازه ای فراروی آنان نهاد. محیطی که مومنان پرهیزگار را ملزم می کرد در برابر هر جریان نفاق آلود یا خواسته اختلاف آمیز همداستان به ستیز برخیزند.

۴-۲-۲. تأکید بر پابندی به قوانین و معاهدات

اشاره به الزامات متعهدانه در رعایت قوانین و راهکارهای تحقق آن در سیاستگذاری محیط شهری پیامبر(ص)، مخاطب را با مولفه هایی همچون به رسمیت شناختن ارزش های ذاتی آشنا می کند. هنجارهایی که توانست رابطه میان حکمرانی نبوی(ص) را با شهروندان و نیز پیوند شهروندان را با یکدیگر تنظیم نماید.

البته در این بین واضح است که قواعد و قوانین در مدیریت شهری پیامبر(ص) شامل قوانین تشریحی و امضایی بوده است؛ منظور از قوانین تشریحی، قواعدی است که ریشه آسمانی داشته و برای ایجاد نظام اسلامی و تنظیم روابط اجتماعی مسلمین وضع گردیده است؛ و مراد از قوانین امضایی، قواعدی عرفی و رایج در جامعه است که بدلیل کارکرد مثبت آن و عدم تعارض با آموزه های دین، توسط حضرت پذیرفته شد. لیکن نقطه عطف مدیریت شهری حضرت(ص) توجه توأمان به قوانین تشریحی و امضایی و قوانین فردی و اجتماعی بوده است. بطوریکه قانون گذاری پیامبر اسلام(ص) نه در قلمرو اجتماع منحصر می شد و نه در حوزه فردی باقی می ماند.(زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۳۵۲)

۱.ر.ک:سوره توبه ۱۱۰-۱۰۷

یکی از مواضع قانون گرایى حضرت(ص) که توانست وفاق اجتماعى را نه صرفاً در مبادى نظرى، بلکه در میدان عمل نیز عينيت بخشد، احترام و پايبندى ايشان به مفاد صلح حدیبیه بود. تا جائیکه انعقاد پیمان حدیبیه با مشرکین ساکن در مکه، دليلی بر پیمان شکستن و قانون شکنى پیامبر(ص) نبود. بطوریکه پیامبر(ص) با رعایت جزء به جزء مفاد این صلح تنش های منطقه را به آرامش مبدل نموده و راه های ارتباطى مکه با مدینه را امنیت بخشیدند. (بلاذرى، ۱۳۹۴ق، ۱/۵۶۴)

يکى ديگر از وقايع تاريخ صدر اسلام که موجبات وفاق اجتماعى را فراهم مى آورد ماجراى عمره القضاء در سال هفتم هجرت است. بر اساس يکى از مفاد پيمان نامه مسلمانان مى توانستند پس از يک سال از انعقاد صلح نامه به مکه بروند و عمره به جا آورند و سه روز در مکه بمانند. بنا بر اين حضرت در سال هفتم هجرى با تعدادى از اصحاب به سوى مکه روانه شدند. ليکن در روز چهارم، اهالى مکه توسط فردى بنام حويطب به ايشان تاکيد کردند که مى بايست مسلمانان شهر مکه را ترک کنند. برخلاف برخى صحابه که از اين سخن ناراحت شده و حتى در آستانه نزاع با اهالى مکه قرار گرفتند؛ ليکن حضرت به پيمان نامه عمل نموده و مکه را طبق قرارداد ترک کردند. (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱/۴۷۸)

اين اخبار بيانگر يک نکته اساسى است و آن اينکه حضرت (ص) تلاش داشتند تا در عمل و گفتار، شهروندان حجاز و طوائف و قبائل را با مفهوم قانون گرايى و آشنا نموده و با پايان دادن به قانون گريزى ها، زمينه هاى انتظام اجتماعى را به واسطه پايبندى به قوانين مدنى محقق سازند.

۴-۲-۳. نفى نژاد پرستى و قوميت گرايى

يکى ديگر از راه حل هاى که پیامبر(ص) در مسير نيلى به وفاق اجتماعى بکار گرفتند نفى نژاد پرستى و قوميت گرايى و خط بطلان کشيدن بر تبعيض هاى ناپسند منبعت از سنن کهن جاهلى بود.

برای مثال مبارزه پیامبر(ص) با سنت متعصبانه برده داری و همچنین لغو گسست های اجتماعى بين طبقه فرادست و فرودست در همین راستا قابل طرح است. بطوریکه این نوع سياستگذاری بخشى از جنبش عدالت خواهانه اى بود که پیامبر (ص) در برابر انفکاک آشکار اجتماعى آن دوره تبیین نمودند. چراکه حضرت به دنبال تأسیس جامعه فلاح پسند دینى، مى بايست تفاوت های ظاهرى احزاب را با تعلقات نژادى خویش به سمت يک حزب و آن حزب الهى رهنمون نمايند. از آنجاکه قرآن فرمود: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله/۲۲)

به علاوه يکى از تلاش هاى اصلى پیامبر(ص)، گسستن مبانى نظام ارزشى حاکم بر جامعه جاهلى آن زمان بود. بطوریکه در بافت پيوندهاى عشيره اى بردگان و کنيزکان، بدون اذن صاحبان خود حق هيچ گونه تصميم گيرى مستقل و يا اظهار مشارکت اجتماعى نداشتند. حتى اجازه طبقه پايين دست جامعه در پذيرش يا عدم پذيرش معتقدات دینى خویش هم بدست خود آنان نبود. (زرگرى نژاد، ۱۳۷۸: ۵۶)

در چنین شرایطی راهبرد کارساز پیامبر(ص) در ذیل مدیریت اجتماعی شهر و نیز دعوت حضرت(ص) به ایجاد تعلقات باطنی و حب اجتماعی به جای تعصبات نژادی بی اساس در بین شهروندان، سبب گردید تا زمینه شکستن چنین تبعیض های اجتماعی که توأم با روح عصبیت بودند فراهم گردد؛ در نتیجه معیارهای بی اساس در روابط نسبی از بین رفته و در نهایت شهروندان بدون وابستگی قومی و قوم گرایی، به مبادی جدید مدنی گرایش پیدا کردند. چرا که نوشته اند: « لا عصبیه فی الاسلام ». (سمیح، ۱۳۷۹: ۱۱) حاصل چنین سیاست مدبرانه و جامع نگرانه، مسلمان شدن افرادی از عشیره ها و قبائل متعدد و همچنین ترمذ آنان از قوانین نظام قبیله ای و پیوستن به صفوف شهروندان دیگر بود. بی تردید این روش علاوه بر ترسیم اصول اجتماعی جدید با اتکاء به آموزه های قرآنی زمینه ای را برای زایش نظام اجتماعی جدید پدید آورد.

اینکه در مدیریت شهری پیامبر(ص) افرادی به مانند « زید بن حارثه » به عنوان فرمانده سپاه و « بلال حبشی » در جایگاه مؤذن شهر قرار گرفتند، بیانگر این مطلب است که در سیاستگذاری پیامبر(ص) با تبعیض های موجود عملاً مبارزه گردید و به تدریج در بین شهروندان، ارزش تقوا ملاک مناصب و منزلت های اجتماعی معرفی شد. چرا که به تأکید قرآن: « إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقٰیكُمْ... ». (حجرات/۱۳)

مشهور است که پیامبر(ص) درباره صحابه خویش، جناب سلمان که غیر عرب و از فارس بود فرمودند: «السلمان منّا اهل البيت» بدین معنا که در مدیریت شهری ایشان برتری عرب بر غیر عرب مذموم بود و بر عادات غلط گذشته که متکی بر قومیت گرایی و ترجیح عرب بر عجم بوده خط بطلان کشیده شد. به علاوه قرار گرفتن اسامی مشهوری همچون صهیب رومی، بلال حبشی و سلمان فارسی در فهرست صحابه بزرگ پیامبر اسلام(ص)، به رغم اینکه هیچکدام از این شخصیت ها جزء اقوام عرب محسوب نمی شدند، بیانگر این نکته است که حضرت(ص) نه تنها در اقوال و گفتار بلکه در رفتار و منش اجتماعی خویش، پیوسته نفی نژاد پرستی و زدودن ملاک های برتری جویانه ناشی از خصلت اعراب را مهمترین رکن در مدیریت جامعه اسلامی می دانند.

چنانچه ایشان در راستای مبارزه جدی با تنش های ناشی از نگاه نژاد مدارانه و لغو امتیازات طبقاتی، زینب بنت جحش را به ازدواج زید بن حارثه این غلام آزاد شده در می آورد(ر.ک: ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱/۴۰۲) و جویر را که فردی فقیر و سیاه پوست بود را به خواستگاری زلفا دختر زیاد بن لبید انصاری فرستادند.(همان)

شکی نیست که همه این آداب اجتماعی در جلب حمایت توده مردم و تقویت روحیه همگرایی آنان بسیار موثر بوده است. بطوریکه این سبک از مدیریت که کاملاً با آموزه های اجتماعی قرآن و بر پایه مساوات و برابری استوار بود، با درایت خاص و تدبیری موشکافانه دنبال گردید؛ تا همواره نقش خود را به عنوان یکی از مهمترین الزامات وفاق آفرین در جامعه شهری رسول الله(ص) ایفا نماید.

۴-۲-۴. طرح حقوق مشترک انسانی در بین جمعیت شهری

یکی از مهمترین محورهایی که در ذیل آن امکان همراهی و همدلی افراد جامعه فراهم می گردد و مناسبات انسانی را با کمترین تنش رو به وفاق و مدنیت انتظام می بخشد طرح حقوق مشترک برای آنان است.

پیامبر(ص) پیوسته در گفتار و عمل خویش اهمیت به حقوق شهروندان را در بالاترین حد رعایت نمودند. چنانچه ایشان پس از ورود فاتحانه به مکه ضمن جلوگیری از هرگونه انتقام و کشتار، خطاب به مردم شهر مکه فرمودند: «ای گروه قریش، خدا در پرتو اسلام، همه غرورها و فخر فروشی های جاهلیت نسبت به سنن آباء و اجدادی را از بین برد. چراکه شما همگی از یک جنس و نوع آفریده شده اید». (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱/۵۲۵)

همچنین پیامبر(ص) در راستای تبیین طرح واره حقوق بشری و به موازات آن تلاش داشتند تا تمامی پیمانها و قراردادهای محدود و غیر دائمی بین قبائل را که در اصطلاح «حلف قبائل» خوانده می شدند را باطل و پایبندی به آنان را مذموم اعلام نمایند. (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۲/۴۴۴) چراکه این قراردادهای بی پایه و اساس یکی از عوامل مهم اختلافات شهروندان بود.

این طرح واره جدید پیامبر(ص) که بر مبنایی از رعایت کرامات ذاتی انسان ها تکیه داشت باعث گردید که نخستین رکن و اساس یک جامعه به دور از نزاع و خشونت پایه گذاری گردد و همین شیوه مدیریتی سبب گردید تا شهروندان، برخلاف سال های فترت در گذشته که ارزش های انسانی را به فراموشی سپرده بودند، اکنون خود طلایه دار وحدت و اتفاق نظر باشند. بطوریکه منش توأم با تعاون و همکاری بین شهروندان مهاجر و انصار بر صحت این مدعا کافی است.

بی تردید پیمان هایی که آن حضرت(ص) با اهل کتاب به عنوان ساکنان شهری حجاز منعقد نمودند به پیشبرد اهداف طرح حقوق مشترک انسانی کمک شایان نمود. چنانچه در بخشی از پیمان نامه حضرت با مسیحیان چنین آمده است: «... به هر حال من متعهدم که نزدیک ترین افراد مسیحی را در شهرها و حتی دورترین آنان را در مرزهای خویش، با سواران و پیادگان و با تمام نیرو و سلاح و پیروان مسلمان خودم... حفظ کنم و چون دارای حکومت بر ایشانم، از همین جهت رعایت افراد شهرها و ساکنان آنان بر من لازم و ضروری است...». (ابن کثیر، ۱/۱۴۰۸، ۶۵۶)

لذا پیامبر(ص) با ارائه طرح های مختلف به تحکیم راهبرد گسترش وفاق در جامعه اسلامی پرداختند. راهبردهایی بسیار کارآمد که نیاز کنونی جوامع بشری است تا بتوانند با تمرکز بر حقوق مشترک میان انسان ها گرد هم آیند.

۴-۲-۵. تعیین ارزش های مشترک میان قبائل

شیوه برخورد پیامبر خدا(ص) با هیئت ها و گروه های نمایندگی از قبائل مختلف عرب را می توان به عنوان یکی از ارکان تحقق وفاق اجتماعی در ذیل سیاستگذاری محیط شهری حضرت مورد توجه قرار داد. این هیئات ها در سال های حاکمیت آن حضرت وارد شهر پیامبر(ص) شدند و ضمن مذاکره با ایشان، از مرحمت ها و همدلی های حضرت بهره بردند و اسلام را پذیرفتند (بلاذری، ۱۳۹۴ق، ۷۷/۲) برای نمونه نخستین هیئتی که از اعراب حجاز در سال پنجم هجرت وارد مدینه شدند از قبیله مزینه بودند؛ که رسول الله(ص) ضمن اعطای حقوق مدنی و تعیین ارزش های مشترک با سایرین برای آنان، فرمودند:

« افراد مزینه هر کجا که باشند جزء مهاجرانند» (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۵۳۳/۲)

بنابراین با این خط مشی قبائل در دایره شهروندی قرار گرفتند و توجه سایرین به شئون حیات اجتماعی و سیاسی آنان معطوف گردید. به عبارت دیگر پیامبر(ص) به قبائل عرب به عنوان شهروندان جدید، هویت گروهی بخشیدند و در همان حال تفاوت های فردی آنها را به رسمیت شناختند. (عبد الستار، ۱۳۷۶: ۵۵) لذا این تمهید اجتماعی پیامبر(ص) که در راستای توزیع عادلانه فرصت ها برای قبائل و همچنین در جهت اجرای عدالت عمومی بود، موجبات تشویق و ترغیب مسئولیت جمعی را فراهم نموده و در نتیجه آثار کشمکش های پیشین در بین اعراب که در تعیین قلمرو های اجتماعی، زیستی و فرهنگی پیوسته تداوم تاریخی داشت را به وفاق و هم اندیشی بین آنان تبدیل نمود.

۴-۲-۶. تدوین اولین مصحف مدنی در تاریخ اسلام

تدوین اولین صحیفه مدنی مشتمل بر بندهایی که حقوق و تکالیف شهروندان را مشخص می کرد از مهمترین ارکان توسعه نظام اجتماع شهری در عصر نبوی(ص) محسوب می گردد. بطوریکه می توان گفت این منشور مدنی با جامعیت سیاسی و اجتماعی خویش، مهمترین الزامات سیاستگذاری محیط شهری را پیش روی همه شهروندان و ساکنان قرار داد. تا جائیکه این پیمان نامه برخلاف عقد اخوت که صرفاً مفهومی دینی و اجتماعی در بین مسلمین بود، گستره وسیع تر یافته و حتی چارچوب مدنی اهل ذمه و حتی مشرکان حجاز را نیز مورد توجه قرار داد. چنانچه متن این سند در سیره ابن هشام و بسیاری از روایات منقول آمده است (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱۳۷/۲) چراکه قرآن در فراخوان عمومی خویش ضمن دعوت فرا دینی و مذهبی، همه پیروان ادیان را به پیامی یگانه فرا می خواند. به تصریح آیات الهی مسلمانان موظفند تا جائیکه اصول و مبانی عقیدتی آنان خدشه دار نگردد، بر اشتراکات توحیدی احترام گذارند. (ر.ک: آل عمران، ۴۶ و ۶۴) مطابق این اصل، پیامبر(ص) با پیروان خود و غیر مسلمانان مجلس مشورت تشکیل داد. همگی آنان در خانه انس بن مالک جمع شدند (طبری، ۱۴۱۵ق، ۱۴۰/۲)؛ و جملگی آنان توافق کردند که جامعه خود را بصورت سازمان یافته اداره کنند. (عمید زنجانی، ۱۳۴۴: ۷۳)

از سوئی دیگر این پیمان نامه شهری بصورت یک پیمان عمومی و جوهی از عدم تعرض شهروندان به یکدیگر و همچنین وظیفه دفاعی و امنیتی آنان را از شهر مورد تأکید داشت. چنانچه آورده اند که ۲۳ ماده آن، مهاجران و انصار را مورد خطاب داشت و قسمت دوم این سند خطاب به یهودیان بود. (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۳/۷۸۰). لذا این قانون نامه، آراء و منافع تمامی گروههای درگیر در آن زمان را در بر گرفت، تا ضامن امنیت اجتماعی شود. این پیمان جامعه ای جمع گرا ایجاد کرد؛ چراکه حقوقی برابر به شهروندان اعطا شد. بطوریکه این سند انقلابی عظیم در پایه و اساس درک اجتماعی ایجاد کرد و نخستین قانون اساسی مدون و مکتوب در جهان گردید. (زرگری نژاد، ۱۳۸۱: ۵۲)

پیامبر(ص) در تنظیم عهدنامه شهری ضمن حفظ برتری اسلام، احساس تفاخر و تضادهای قومی و مذهبی را به همزیستی مشترک و دفاع از مرکز حکومت اسلامی مبدل نمودند. (همان) این پیمان نامه که آنرا نخستین قانون اساسی خوانده اند (علیخانی، ۱۳۸۶: ۲۱۷)؛ به گونه ای تنظیم شد که پیروان ادیان مختلف به مسالمت در کنار مسلمانان زندگی کنند. چنانچه با مراجعه به بندهای این سند تاریخی احترام پیامبر(ص) به اصول و قواعد یهودیان نمایان است. (ابن خلدون، بی تا، ۶۸۸/۲)

بواسطه این قانون، با یهودیان به مانند مسلمانان رفتار می شد و مسلمانان، یهودیان را همپیمان و جزئی از ملت خود می دانستند؛ چنانچه رفتارشان بر اصل رعایت امنیت اجتماعی استوار بود. (عمید زنجانی، ۱۳۴۴: ۹۵) همه این اخبار نشان از مساعی پیامبر(ص) در احیای اصل تفاهم اجتماعی در جهت تضمین امنیت اجتماعی است. چنانچه انعقاد این میثاق شهری یا پیمان اجتماعی که به صحیفه مدنی نیز شهرت دارد، زمینه های اتحاد و همزیستی شهروندان را فراهم نمود.

۳-۴. تعیین ساختار شهری^۱

بررسی آندسته از ساختارهای مدنی و چارچوب های لازم در راستای تحقق انتظام در مناسبات انسانی از مهمترین ارکان سیاستگذاری محیط شهری توسط پیامبر(ص) محسوب می گردد. در همین راستا بازبینی برخی مولفه های شهرنشینی که در بستر برنامه ریزی و مدیریت شهری توانست وفاق اجتماعی را متجلی نماید امری ضروری به نظر می رسد.

مطالعات تاریخ اعراب قبل از اسلام نشان می دهد که کوچ نشینی و عدم تعلق خاطر طوائف و توده های انسانی به سرزمینی خاص، از اصلی ترین عادات حیات اجتماعی در دوران جاهلیت بود؛ تا جائیکه عرب بادیه نشین زندگی شهرنشینی را تحقیر می کرد. (خویی، ۱۹۹۶: ۲۰۱) چنانچه مناطق و سرزمین های جزیره العرب تا زمانی می توانستند کانون توجه اعراب واقع گردند که اساساً تامین کننده مؤلفه های زیستی برای ساکنان آن بودند. بطوریکه مقارن با آغاز رسالت پیامبر(ص)، عدم تعلق خاطر به یک شهر و یا جغرافیای مشخص، بعلاوه اتکاء به ساختار سنتی قبائل و عدم یکجانشینی و کوچ روی آنان، مانعی برای تقویت ساختار منظم شهری و تمرکز بر اصل شهرنشینی بود.

به نظر می رسد اینکه برخی از آیات و مضامین قرآنی ضمن اشاره به توبیخ خداوند نسبت به قوم بنی اسرائیل، دستور زندگی شهری را داده اند، (ر.ک: بقره/۶۱) ناظر به همین عادت کهن و سطحی نگر اعراب است که قائل به سکونت دائم و زندگی منظم شهری نبودند.

در همین راستا، رسول الله(ص) در جهت تقویت ساختار شهری تلاش های فراوانی انجام دادند؛ بطوریکه مؤلفه های مدیریت شهری حضرت(ص) بر همین اساس هدفگذاری گردید. از آن جمله می توان به وجوب هجرت (ر.ک: نساء/۹۷) خارج کردن افراد از تعرب به شهرنشینی، مدینه محوری و تحریم رجوع مجدد به بادیه نشینی و تعرب اشاره کرد. (خامنه ای، بی تا، ۳۱۳)

چنانچه اشاره منابع روایی به مفهوم «لا تعرب بعد الهجرة» (شیخ صدوق، ۱۳۸۹ق، ۳/۳۶۰) نیز به جایگاه زندگی شهرنشینی توأم با مدنیت اشاره نموده و زندگی کوچرویی و بدوی اعراب را مغایر با قواعد قانونمند شهری می داند. البته قابل ذکر اینکه هرچند در باور برخی محققین بادیه نشینی و بداوت که هم ردیف با تعرب آمده است ویژه قوم عرب نیست، اما این اصطلاح در منابع کهن تنها درباره مردم جزیره العرب بکار رفته است. (ر.ک: جواد علی، ۱۳۹۱ق، ج ۱)

در همین راستا سیاستگذاری شهری حضرت(ص) بیش از گذشته زمینه خو گرفتن اعراب را به زندگی مدنی ایجاد نمود و با ظهور و بروز مدنیت و قانون گرایی، نیل به اهداف شهری در سایه انتظام اجتماعی محقق گردید. چنانچه تقویت نگرش اعراب به سمت زندگی توأم با «تحضر» و سکونت دائم، به جای دیدگاه سنتی «تعرب» و بادیه نشینی، سبب تحول سیستم قبیله ای در جهت تشکیلات نظامند شهری گردید؛ لذا با اصلاحات نوین و بنیادین پیامبر(ص) و بواسطه این گذر تاریخی، جامعه بدوی و کوچروی جزیره العرب به جامعه ای مدنی با اسلوب منظم تبدیل گردید.

از آنجاکه مبادی زیست اجتماعی در تفکر رسول اسلام(ص) بر پایه اصول شهرنشینی متجلی گردید، لذا می بایست اذعان نمود که علی رغم آغاز رسالت پیامبر(ص) در بین قبائل مکه و نیز تشکیل هسته اصلی اسلام در این مکان مقدس، لیکن فرصت ایجاد یک هرم شهرنشینی با طبقات اجتماعی همراه و همگرا در شهری بنام مدینه و به دست ساکنان آن سرزمین شکوفا گردید. شهری که به علت وجود زیرساخت های شهرنشینی که از نتایج سکونت دائمی در این نقطه از عربستان بود، توانست استعداد استقرار حکومت اسلامی را به منصف ظهور رساند. چرا که تجمع افراد و سکونت دائمی و همچنین تجمیع مناسبات انسانی به واسطه قواعد حاکم بر شهرنشینی، جملگی اصالت هایی بودند که در این شهر چنین قابلیت عظیمی را بوجود آوردند.

۴-۳-۲. تعیین معیار جدید تابعیت برای شهروندان

پیش از ظهور اسلام در سرزمین حجاز گسترش مفهوم شهروندی و تابعیت شهروندان به یک شهر و یا سرزمین خاص، فراتر از هرگونه تعلق مرزی و نژادی و قبیله ای تحقق نیافته بود. لیکن با آغاز مدیریت شهری پیامبر(ص) و گرد آمدن عناصر حکومت به مانند جمعیت تابع در مدینه، اولین حکومت اسلامی در این شهر به وجود آمد. در چنین شرایطی در راستای کارآمدی سیاستگذاری شهری پیامبر(ص) الزاماً تعیین ملاکی برای تشخیص و تعیین تابعیت برای شهروندان ضروری به نظر می رسید. البته توضیح اینکه این مفهوم در مباحث سیاسی امروز تحت عنوان تبعه یا شهروند و معیارهای تابعیت و شهروندی مورد توجه قرار می گیرد و بر اساس آن تبعه، شخصی است که عضو یک جامعه بوده و از حقوق مدنی و امتیازات مندرج در قانون اساسی برخوردار است.

با این توضیح در دولت نبوی(ص) نیز هر مسلمانی عضوی از جامعه شهری مدینه محسوب می شد و از همه حقوق اسلامی برخوردار و در قبال همه تکالیف اجتماعی متعهد بود. بطوریکه در مدینه النبی(ص) معیار تبعیت مسلمان بودن و یا پذیرش پیمان بود. چنانچه اگر کسی این دو شرط را نداشت غیر شهروند یا بیگانه به شمار می رفت. (حمیدالله، ۱۳۷۷: ۲۵) به عبارت دیگر در مدیریت شهری حضرت(ص) برخورداری از حقوق اسلامی به تقدم در مسلمان بودن و یا یثربی الاصل بودن نیاز نداشت و هر مسلمانی فارغ از این امتیازات مفتخر به شهروندی می شد. (زرگری نژاد، ۱۳۸۱: ۱۵۴)

هر کس از یهودیان ساکن نیز اگر می خواست بر دین خویش بماند و در عین حال در آن جامعه روزگار بگذراند، متعهد به پیمان می شد؛ لیکن تحت این شرایط پیوسته در امنیت بود و از اغلب حقوق شهروندی برخوردار می شد. بدین ترتیب امت مسلمان و یهود در عین حفظ استقلال جامعه دینی خویش، اجتماع واحدی را به وجود آوردند و پیامبر(ص) وحدت دینی را جایگزین وحدت قومی کرد و حتی پیروان سایر ادیان الهی را به شرط پیمان، به منزله عضوی از این جامعه پذیرفت. (همان)

اگوتو متذکر می گردد که یک راه موثر در جهت تعدیل تأثیر اصول متضاد این است که «پذیریم ما می توانیم به اصول خود وفادار باشیم، بدون آنکه اصرار داشته باشیم که مخالفان ما به اصول خویش وفادار نباشند».

پیامبر(ص) ارزش های مشترک میان شهروندان و قبائل را معین نمود و ارزش و اعتبار آنها را آشکارا تصدیق نمود. سپس هویت مستقلی را به هر یک از گروه های شهری بخشیدند و به تیره ها و طوایف توصیه می کردند تا با هم و بصورت جامعه ای واحد کار کنند. بطوریکه تعریف این تابعیت محض برای شهروندان توانست تا از اختلافات و تقسیمات قبلی میان قبائل جلوگیری کند.

مطالعات نشان می دهد که مواردی همچون همسانی با زمامداران (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۳/۷۷۴)؛ حق نظارت بر حاکمان (حر عاملی، ۱۴۰۳:۴۵۸) و حق انتقاد و حتی شکایت در شهر و ایجاد محکمه قضایی توسط پیامبر(ص) برای دادخواهی قبائل (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۳/۵۵۵) نمونه هایی از حقوق اتباع مختلف و تعیین آن در مدیریت پیامبر(ص) می باشد.

این روش نوآورانه حضرت(ص) در تعیین حدود تابعیت برای شهروندان نه تنها باعث شکسته شدن مرزبندی ها و شکاف های اجتماعی شد بلکه وفاق درون جامعه را عمیق تر کرد و با ایجاد حدود و ثغور شهروندان، به تکوین انتظام اجتماعی در شهر کمک نمود.

۳-۳-۴. ایجاد احساس تعلق اجتماعی شهروندان به محیط شهری

از مهمترین الزامات وفاق اجتماعی که پیوسته در سیاستگذاری محیط شهری مد نظر پیامبر(ص) قرار می گرفت، تلاش در جهت ایجاد احساس تعلق اجتماعی^۱ شهروندان نسبت به شهر محل سکونت بود. امروزه مطالعات نشان می دهد که احساس تعلق اجتماعی به افزایش ارتباطات^۲ و مشارکت مدنی در جوامع انسانی منجر می گردد. (رفیع پور، ۱۳۷۷:۸۵)

ابن خلدون جوهره حیات جمعی را تعلق اجتماعی و روح یاری گری می داند، که این امر در بادیه نشینی از طریق اجتماع افراد بر اساس نظام خویشاوندی حاصل می شود؛ اما در شهرنشینی از طریق تاسیس و گسترش نهادها و سازمان های اجتماعی و روابط همسایگی صورت می پذیرد. (ابن خلدون، بی تا، ۱/۱۱۷)

با همین هدفمندی، مدیریت محیط شهری پیامبر(ص) مبتنی بر ایجاد حس تعلق اجتماعی قرار داشت. بطوریکه مؤلفه های ذیل جزء الزامات تحقق این امر کارساز و مؤثر گردید.

1. Sense of Community
2. Connections

مطالعه مدیریت شهری پیامبر(ص) نشان می دهد که ایشان تلاش داشتند با گزینش اسامی سازوار با ایده ها و آرمان های مکتبی، به اصلاح نگرش جامعه و تحول در اندیشه ها بپردازند. بطوریکه مطالعه این نامگذاری ها از جمله انتخاب نام برای مناطق با اهمیت می نماید. چراکه انتخاب اسم مناسب برای اماکن و شهرها در هویت سازی شهروندان نقش تعیین کننده دارد و می تواند وابستگی اجتماعی و توجه به ارزش های ذاتی را برای اهالی آن منطقه به ارمغان آورد^۱. همچنانکه انتخاب نام نیک در سوره حجرات با تعبیر «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْألقَابِ بِئْسَ الْاسْمُ الفُسُوقُ بَعْدَ الْإِیْمَانِ» (حجرات/۴۹) بعنوان یکی از مولفه های ضروری جوامع انسانی مدنظر بوده است.

لذا نخستین گام عملی پیامبر(ص) در جهت ایجاد حس تعلق پذیری اجتماعی در شهروندان نسبت به اولین شهر اسلامی که تمرکز تکالیف دینی و مسئولیت های اجتماعی را بر دوش می کشید، تغییر نام شهر به مدینه بود. شهری که پیامبر(ص) بسان بسیاری از اسامی دیگرکه تغییر داد، آنجا را نیز به جای یثرب، مدینه خواندند. (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ۸۲/۴) ابن منظور می گوید:

«...لا تتریب علیکم الیوم...» (رک: یوسف/۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۵۷/۱)

باستناد تاریخی، نام مدینه در گذشته به ناحیه ای کوچک از یثرب اطلاق شده است. (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۲۳۹/۲) اما با ورود پیامبر(ص) پس از چندی نام آن به طیبه و طابه که به معنای پاکیزگی است تغییر یافت (ابن شمائل قطیعی، ۱۴۱۲ق، ۴۷۵/۲)

لیکن این تغییر ظاهری نشان از استراتژی شهری پیامبر(ص) بود؛ چراکه وجه تسمیه مدینه، آئینه ای تمام رخ از ویژگی نخستین شهر اسلامی بوده و نام آن متناسب با جلوه هایی از وجوه اجتماعی برگرفته از متن دین اسلام است. در حقیقت این نامگذاری نشان از تعمیق شعور و آگاهی شهری بوده و در جهت روی آوردن به مفاهیم مدنی و حیات اجتماعی و نیز الزامات شهروندی هدف گذاری گردید. مهمتر اینکه انتخاب نام مستقل و بی پیرایه برای معرفی پایتخت جهان اسلام، صرفاً یک تغییر ظاهری نبود. بلکه در دل این تغییر ظاهری، عینیت بخشیدن به تحولی باطنی مورد توجه بود.

چنانچه برخی احادیث نبوی(ص) بر لزوم بهره مندی از این تغییرات ظاهری در راستای تحقق تحولات باطنی تأکید دارد. در همین راستا حضرت فرمودند: «کسی که مدینه را یثرب نام نهاد باید استغفار کند؛ چرا که مدینه پاک است. (نظری منفرد، ۱۳۸۶: ۱۱۵) مسلمانان هم به تبعیت از رسول خدا(ص) و از باب علاقه به انتساب این شهر به

۱. در این مورد بنگرید به مقاله «نامگذاری در سیره رسول خدا و نقش آن در فرهنگ سازی و هویت بخشی»، اکبر احمد پور، مطالعات اسلامی، تاریخ و فرهنگ، زمستان ۱۳۹۴.

ایشان، از همان ماه های اول ورود پیامبر به این منطقه این سرزمین را «مدینه النبی و مدینه الرسول» خواندند.
(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱۷۲/۴)

البته در توضیح این مواضع تاریخی باید افزود که تغییر نام شهر به مثابه راهبردی کارآمد در سیاستگذاری شهری، می توانست با ایجاد اعتماد به نفس در شهروندان که بواسطه تعلق خاطر بیشتر آنان به محل سکونت خویش ایجاد می شد و همچنین با تقویت حس مسئولیت پذیری شهروندان در قبال اصلاح امور، به وفاق اجتماعی بین آنان نیز منجر گردد. ضمناً اطلاق یک نام جدید برای این سرزمین، علاوه بر اینکه می توانست محدوده جغرافیایی و سکونتگاه های آن را تعیین نماید، از پراکندگی های طبیعی ساکنان آن در بادیه ها و .. کاسته و با تمرکز بخشی به شهروندان با سکونت دائم، هویت بخش اجتماعات و مناسبات انسانی آنان در منطقه گردد.

۵. نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش گردید تا با رویکردی اجتماعی و باستناد گزارشات تاریخی، به یکی از اساسی ترین سوالات عصر رسول الله (ص) پاسخ داده شود؛ و آن اینکه کدامیک از راهبردهای کارآمد در سیاستگذاری محیط شهری پیامبر (ص) موجبات شکل گیری وفاق اجتماعی را در بین شهروندان فراهم نمود.

بررسی اقوال سیره نگاران نشان داد که حضرت (ص) در مدیریت شهری خویش، با اتکاء به مبادی جامعه شناسانه و با استناد به مبادی دینی منبعث از آموزه های الهی، به اصل همبستگی و هدایت اجتماعی روی آوردند و به بنیادی ترین نیاز جزیره العرب یعنی تقویت عناصر ارزشی در زیست انسانی پرداختند. گذر از یک جامعه بدوی به جامعه ای مدنی اولین تحول مهم و باطنی بود که با طرح الگویی جامع و کارآمد، انتظارات مدنی شهروندان را محقق نموده و در اندک زمانی دگرگونی شگرفی در شهرها و بلکه در سراسر جزیره العرب پدید آمد. بطوریکه رسول خدا (ص) با ارائه پاسخ مستدل به دغدغه مدنی های جامانده از دوره فترت که جامعه جاهلیت را می آزرده، بر ارزش های اجتماعی و اصول مدنی منبعث از آموزه های اسلامی تاکید نمودند و بر پایه انتظام اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی، ساختاری نو بنیان نهادند.

ایشان ضمن خط بطلان کشیدن بر امتیارات سنتی قبائل، دستاوردهایی همچون تمرین زیست اجتماعی و همگرایی دین مدارانه را ذیل عناصری همچون قانون مداری و فضیلت خواهی برای شهروندان به ارمغان آوردند. ضمناً با اصالت بخشیدن به قواعد حاکم بر شهرنشینی و تبیین قوانین مدنی در جهت انتظام عملی شهروندان، آنان را مستعد تعلق پذیری اجتماعی نموده و ابعاد نوآورانه ای از مفهوم وفاق اجتماعی را معنا بخشیدند.

حضرت (ص) با شناساندن اصالت ذاتی شهروندان و همچنین لغو ارزش های ناپایداری که ریشه در سنن کهن جاهلی داشت، مفهوم جدیدی از قوانین و گزاره های قابل اعتماد را در ارکان شهری ایجاد نمودند. بطوریکه در

اثر این تحولات باطنی و در راستای تأکید بر گفتمان مشترک، الزاماتی مبتنی بر ساختار پذیری در شهروندان فراهم گشت و در نتیجه، این اصول شهریِ نوینان به خاستگاه همزیستی و نوع دوستی مبدل گردید.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد علی، ملقب به شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، مصحح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ق، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، التزام عبدالرحمن محمد، بیروت، دار احیاء.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، بی تا، تاریخ ابن خلدون، عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن شمائل قطیعی البغدادی، عبد المومن، ۱۴۱۲ق، مرصد الاطلاع علی أسماء الأمکنه و البقاع، بیروت، دارالجلیل.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸ق، السیره النبویه، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه.
- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، ۱۳۵۶ق، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره، انتشارات المدنی.
- اسکیدمور، ویلیام، ۱۳۷۲، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، سفیر.
- اشپولر، برتولد، ۱۳۶۶، جهان اسلام، ترجمه قمر آریان، تهران، امیر کبیر.
- اگوتو، آکیر، ۱۳۷۶، «قانون نامه مدینه»، ترجمه شهلا بختیاری، مجله فقه، کلام و عرفان، شماره ۷۵، ص ۲۲-۳۲، کلام و عرفان.
- آرون، ریمن، ۱۳۸۶، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی.
- بحرینی، سید حسین، ۱۳۷۸، تجدد، فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بختیاری، شهلا، ۱۳۹۲، جامعه مدنی در عصر نبوی (ص)، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، سمت.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ۱۳۹۴ق، الانساب الاشراف، محمد باقر نجمودی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جواد علی، ۱۳۹۱ق، المفصل فی التاریخ العرب قبل الإسلام، دارالعلم للملایین، قاهره، مکتبه النهضه.
- چلبی، مسعود، ۱۳۷۰، تأثیر سنت و مدرنیسم بر نظم اجتماعی، تهران، انتشارات سروش.
- حتی، فیلیپ خلیل، ۱۳۶۶، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آگاه.
- حرّ عاملی، محمد بن حسین، ۱۴۰۳ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البیت.
- خامنه ای، علی، بی تا، درس هایی از نهج البلاغه، تهران، انتشارات سید جمال.
- خویی، ابوالقاسم، ۱۹۹۶م، البیان فی تفسیر القرآن، نجف، مطبعة الاداب.
- دیاربکری، شیخ حسین، بی تا، تاریخ الخمیس فی احوال أنفس النفیس، بیروت، دارصادر.
- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۷، آنا تومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۸۱، تاریخ تحلیلی اسلام، قم، انجمن معارف اسلامی.
- سمهودی، علی بن عبدالله، ۱۳۷۴ق، وفاء الوفاء، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره.
- سمیح، عاطف، ۱۳۷۹، محمد در مدینه، ترجمه محمد انصاری، تهران، جام.
- شریف قرشی، باقر، ۱۳۸۷، زندگانی پیامبر اعظم (ص) هاشمی تبار، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۵ق، تاریخ طبری، چاپ چهارم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

- عبدالستار، عثمان محمد، ۱۳۷۶، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران، امیرکبیر.
- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۶، «تحلیل سیاسی جنگهای پیامبر(ص) راهبردی برای امروز»، مجله پژوهش نامه علوم سیاسی، شماره دوم، ص ۳۳-۴۲، دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۴۴، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قائدان، اصغر، ۱۳۸۴، تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره، تهران، مشعر.
- کاکرین، آلن، ۱۳۸۷، سیاست های شهری، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران، نشر آذرخش.
- کلبی، محمد، ۱۴۰۷ق، جمهره النسب، به کوشش ناجی، بیروت.
- مرتضی، هشام، ۱۳۸۷، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- نظری منفرد، علی، ۱۳۸۶، تاریخ اسلام رسول اکرم از هجرت تا رحلت، قم، انتشارات جلوه کمال.
- وات، مونتگمری، ۱۳۴۴، محمد پیامبر و سیاستمدار، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۰۵ق، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، الأعلمی للمطبوعات.